

غناء و مشکلات تعیین حرام از حلال

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال^۱: مسئله ی غنا از جمله مسائل پیچیده ای است حتی اگر تصویر نظری آن واضح گردد تطبیقات عملی آن همچنان دشوار است. سرودها و آهنگ های مختلف موسیقی موجب ایجاد حماس و قدرت و آرامش و محبت و.. می شود. سوال: فضای فقهی در مورد غنا و موسیقی نزد فقها چیست؟ دیدگاه اجتماعی شما چیست؟ آیا می توانید به صورت عملی این موضوع را به صورت ساده بیان کنید؟ خداوند به شما بهترین پاداش ها را عنایت کرده و موفق باشید. مسئله ی دیگری نیز وجود دارد که دوست دارم به آن پردازم و این مشکلاتی است که هنگام برپایی جشن های ازدواج به وجود می آید که به خاطر اختلاف فتاوی برخی از جشن بیرون می روند و حتی کسانی که بعضی از انواع موسیقی را حلال می دانند به سبب اختلاف در مصادیق بیرون می روند. چطور می توان این مشکل را حل کرد؟

پاسخ: از دیدگاه معروف نزد متأخرین از فقها و از جمله اغلب مراجع تقلید معاصر، حرمت در غناء، ناظر به لحن و ایقاع موسیقی است نه به خاطر کلمات یا مضمون آن بنابراین حتی اگر کلام حقی همچون قرآن کریم یا شعری ملی یا انقلابی یا انسانی را با لحنی غنائی بخوانید حکم به حرمت آن می دهند.

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع ۱: سوال ۱۴۹.

بنابراین مسئله در طبیعت ایقاع موسیقی آوازا نهفته است امری که موجب حرام شدن آن از جهت خواندن و شنیدن می شود اغلب ساحق فقها اگر نگوئیم همگی، به حرمت تمام انواع موسیقی معتقد نیستند هرچند که به تعداد اندکی از ایشان این دیدگاه نسبت داده است بلکه معتقدند ایقاعات موسیقی آوازا - مقصود از ایقاع موسیقی تنها صوت صادر از ابزارهای موسیقی نیست بلکه طبیعت لحنی که از مغنی صادر می شود را نیز شامل است - به دو صورت است. برخی از ایقاعات موسیقی هستند که طرب انگیز بوده و با مجالس لهو اهل فسق و فجور تناسب دارد و برخی دیگر از ایقاعات با اهل لهو و باطل و مجالس فسق و فجور تناسبی ندارد. بنابراین لحن حرام - در نتیجه موسیقی حرام از نظر ایشان - موسیقی است که وقتی انسان آن را می شنود تناسب و تشابهی بین آهنگ موسیقی آن و بین آهنگ رایج در متعارف اهل فن و اهل جشن ها و اهل موسیقی لهوی از جهت لحن و صدا، احساس کند.

وقتی معیار این باشد، طبیعی است که این مسئله نسبی خواهد شد که به عرف هر زمان و مکانی ارجاع داده می شود چه بسا لحنی در یک زمان مشخصی با لحن شایع در محافل موسیقی لهوی که اهل فسق و فجور آن جا جمع می شوند تناسب داشته باشد اما همین لحن در زمان دیگری خارج از این سیاق تعریف شود چرا که موسیقی نیز نسل به نسل در کیفیت آهنگ موسیقی که انتخاب می کند تغییر می کند و اگر فقیهی به عنوان مثال در دهه ششم قرن پیشین گفته باشد که موسیقی فلان خواننده زن یا مرد حرام است و مناسب با مجالس فسق و فجور است این به این معنی نیست که ضرورتاً الآن نیز حرام باشد بلکه باید آن را به موسیقی شایع در دوران خود عرضه کنیم تا ببینیم آیا با آن تناسب دارد یا خیر؟ همینطور اگر در آن دوران به خاطر عدم تناسب، حکم به حلیت آن شده باشد.

می توان گفت، شخصی که گوش کرده یا عادت کرده یا بارها موسیقی مجالس طرب و ملاحی به گوش او خورده است این شخص وقتی به موسیقی یا آوازی گوش فرامی دهد به صورت ناخودآگاه می تواند بگوید این لحن متعارف در این محافل لهوی و فسق و فجور هست یا بگوید این آهنگ غیر متعارف بوده یا دور از آن آهنگ ها و آواز هاست. دقیقاً مثل وقتی که به لحنی گوش می دهید و می گوید این لحن با آهنگ های غربی یا عربی یا هندی تناسب دارد بلکه ممکن است تفصیل بیشتری را دریابید مثل این که متناسب با موسیق راک یا پاپ یا .. می باشد.

این تحدیدی که فقها مطرح کرده اند اصلاً مشکل تطبیقی را حل نمی کند و فقها نیز چنین ادعایی ندارند و این اولین موضوعی نیست که در مصادیق آن اختلاف می شود. بنابراین ممکن است در این که این لحن خاص متناسب با مجالس طرب و لهو و لعب می باشد یا نه اختلاف

ایجاد شود و شخصی آن را متناسب داند در حالی که شخص دیگری آن را متناسب نداند در این صورت این سوال پیش می آید که راه حل چیست؟ و چگونه می توان از این چالش بیرون رفت؟

برای پاسخ از این اشکال فقهی متاخر غالباً مرجع را حصول اطمینان شخص با توجه به خبرویت ذاتی خود یا رجوع به اهل خبره و اطلاع از این که این لحن متناسب با این جو هست یا نه می دانند. اما اگر شخصی هیچ یک از این دو امر برای او حاصل نشد و موضع اهل خبره نسبت آن متفاوت بود و ترجیح یکی بر دیگری با توجه به نکته خبرویت بیشتر یا ... دشوار باشد در این حالت فقها عادتاً حکم به جواز استماع به آهنگ های مشکوک می دهند. چرا که به تعبیر ایشان، این مورد از موارد شک در شبهه ی مصداقیه می باشد و نمی توان در موردی یا حالتی که نمی دانیم مصداق غنای محرم است حرمت را اثبات کنیم بنابراین استماع به آن تا زمانی که عکس آن ثابت نشود جایز خواهد بود و برخی از فقها همچون شیخ جواد تبریزی در حالت تردد احتیاط و جوبی را اختیار کرده اند هرچند که برخی از عبارات ایشان ایحاء به اختیار قول اول دارد.

اما نسبت به موضوع اختلافات در مناسبات و عروسی ها که اشاره فرمودید معتقدم این قضیه ای است که باید به صورت اجتماعی حل شود و هیچ راه حل فقهی یا شرعی برای آن وجود ندارد بنابراین یا باید این گروه از حرف خود تنازل کرده تا دیگران در جشن باقی بمانند یا این که امور به گونه ای تنظیم شود که تصادم بین دو گروه ایجاد نشده و به یک راه حل توافقی معینی برسند. ابزارهای فقهی - در چارچوب معلومات اندک بنده - راه حلی برای مثل این مشکلات ناشی از اختلاف در مصداق یا در تقلید ندارد بنابراین هر کسی باید بر اساس موضع شرعی خود عمل کند.

می توان در این جا تنها به عنوان اشاره به ضرورت کناره گیری از مبالغاتی که گاهی موجب زیاده روی حتی نسبت به موضع شرعی می شود تحت عنوان احتیاط تاکید کرد. همانطور که کسانی که تحفظ شدیدی ندارند به حسب اجتهاد یا تقلید خود شایسته است که از تساهل در تشخیص بکاهند چرا که در این موضوع تساهل نیز زیاد رخ می دهد. چه بسا این کار در کنار تمرکز بر مرجعیت حکم شرعی نه مرجعیت مزاج های شخصی، کمی از شدت این وضعیت بکاهد.